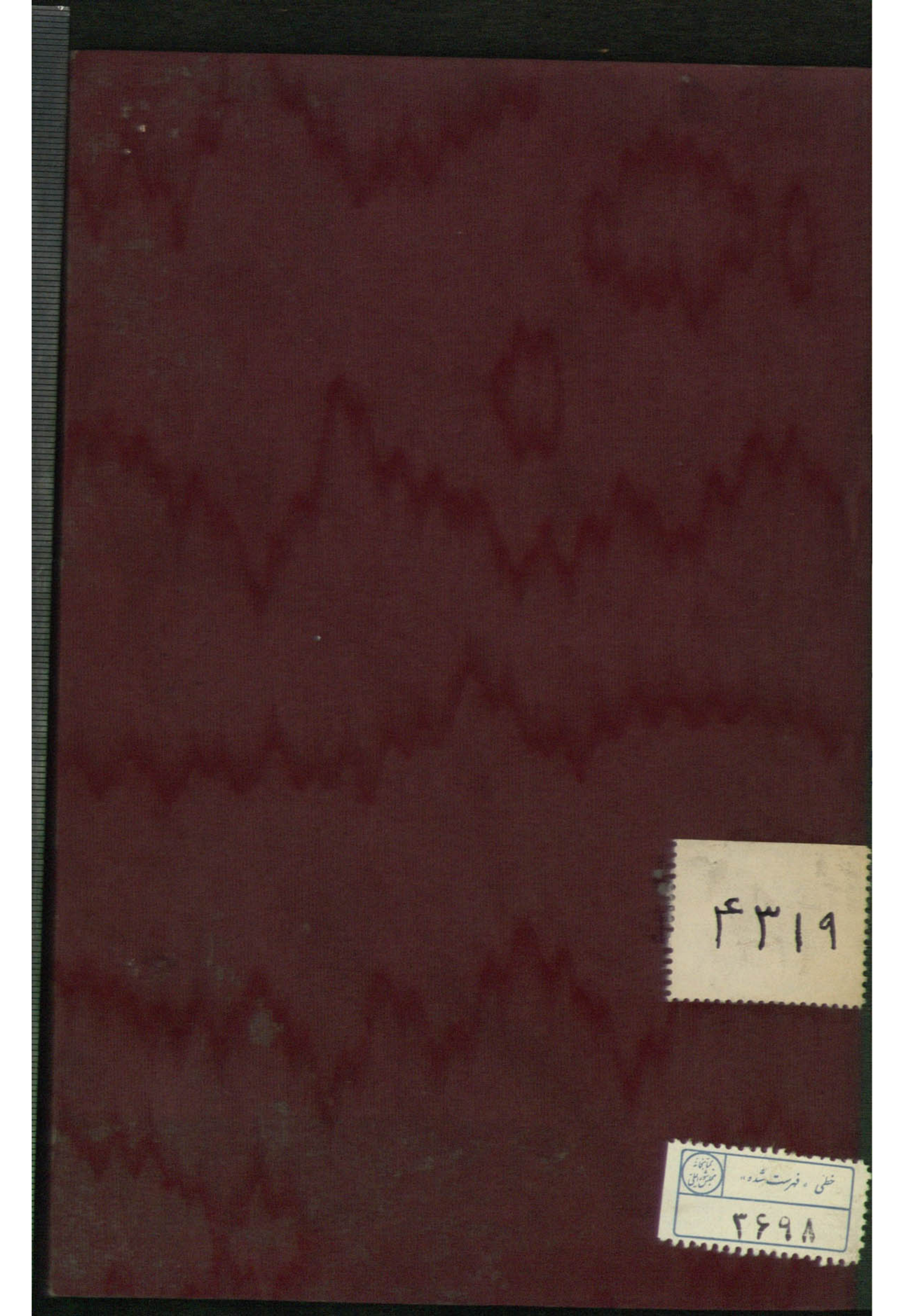
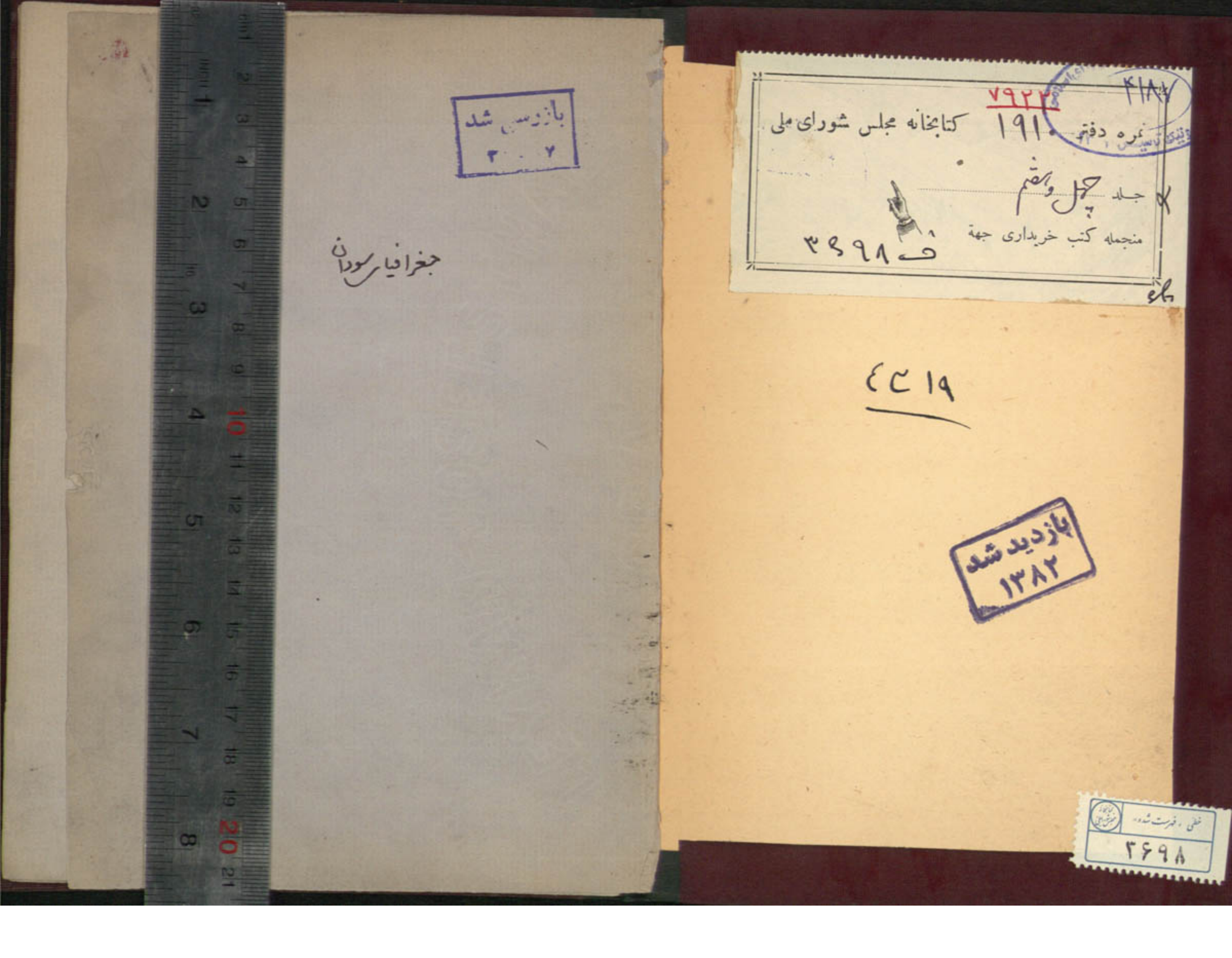
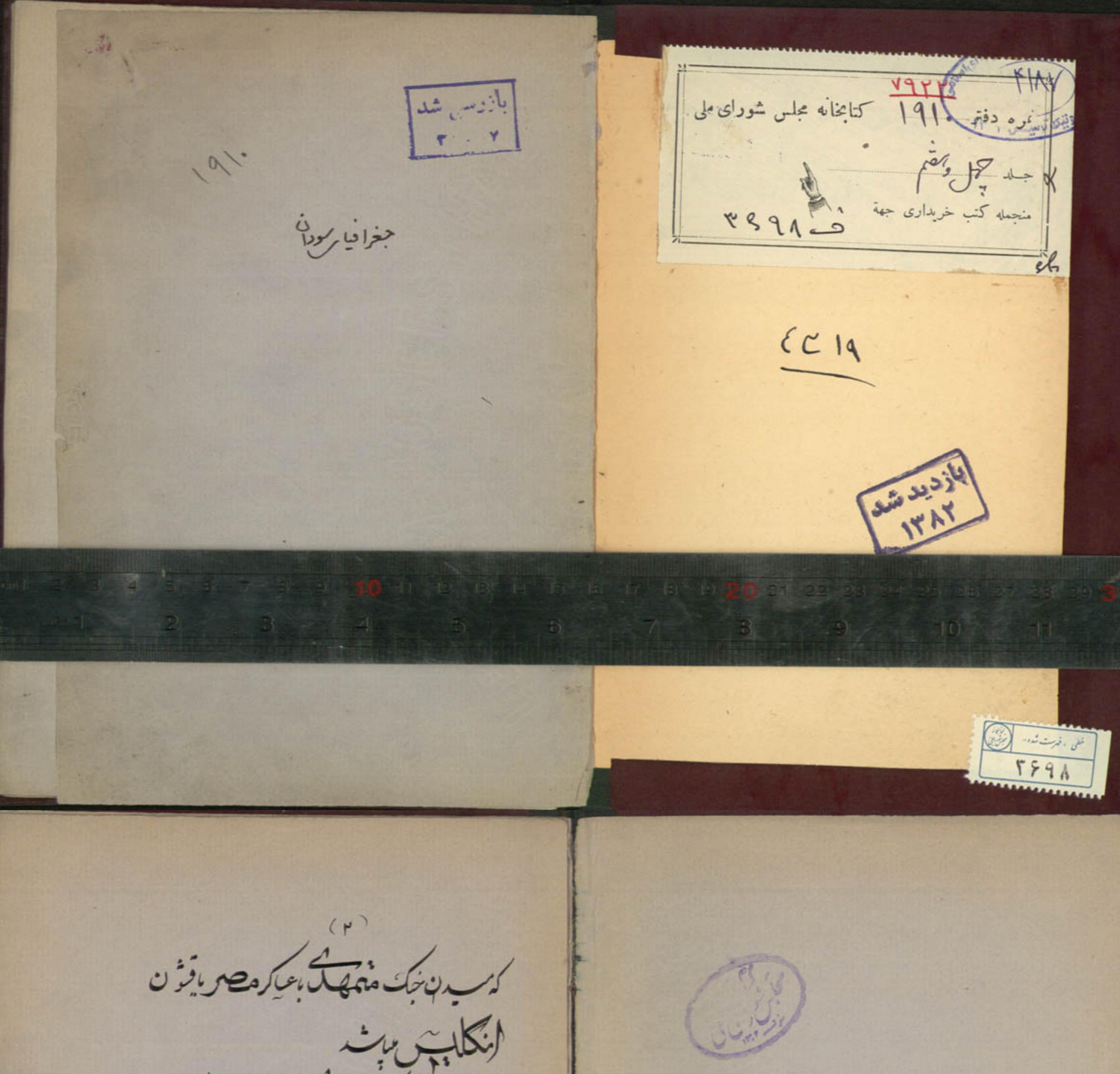

۴۳۱۹
کتابخانه مجلس شورای ملی
خطی «فهرست شده»
۳۶۹۸



بازرسی شد
۳۰۰۷
جغرافیای سودان
۴۱۸۷
۷۹۲۲
کتابخانه مجلس شورای ملی
نمره دفتر ۱۹۱۰
جلد چهل و هفتم
منجمله کتب خریداری جهة
ف ۳۶۹۸
۴۲۱۹
بازدید شد
۱۳۸۲
خطی «فهرست شده»
۳۶۹۸



سودان

فتنهٔ محمد احمد که دعوی مهدویت نموده و او را بنام
متمهدی یعنی مهدی دروغی یاد میکنند در بلاد حوالی رود
نیل چند سالیست خیال دانشمندان و ارباب پلتیک را متوجه
سودان نموده و بیشتر مسطورات روزنامه‌ها عبارت از وقایعیست
که درین ناحیه وقوع میشود در اینصورت فهم مسطورات روزنامه‌ها
موقوف باطلاع جغرافیائی و تاریخی سودان و بلاد و ولایات

که میدانیم جنگ متمهدی با عساکر مصر یا قشون
انگلیس میباشد
پوشیده نباشد که متمهدی الآن در سودان حقیقی
متمکن نیست بلکه اقامتگاه او شهر العبید است از ایالت
کردفان و اینکه او را متمهدی سودان میگویند
از آنست که کلیهٔ اهالی افریقا را منقسم بدو قسمت نموده اند
یکطایفه را سودان میگویند یعنی سیاهان و طایفهٔ دیگر را
بربر و اهالی بربرستان مینامند طایفهٔ سیاهان در
تمام نواحی افریقا سکنی دارند اما اهالی بربرستان در طرف
شمالی این اقلیم ساکن و هیئت آنها غیر از هیئت اهالی

سودان است و همه مسلمان میباشند برخلاف طایفه
سودان بسیاری از آنها بت پرستند چون مسئله مهمه‌ای
اهمیت بهم رسانیده اطلاع از آن نواحی نیز از مسایل مهمه
گردیده لهذا بنگارش شرح ذیل مبادرت مینماید

اقلیم افریقا که از اقالیم خمسه روی زمین است مجهولات
جغرافی بسیار داشته و دارد از قبیل سرچشمه رودهای
معتبر و حالت بسیاری از اراضی و اماکن و آبادیها و غیره
که بعضی از آنها با قدم و همت سیاحان معتبر با جلادت
فرنگ مخصوصا چهار نفر سیاح انگلیس که یکی از آنها لیونگستن
میباشد و دو نفر آلمان و یک روس و یک امریکائی

و یک پرتوغالی منکشف و معلوم گشته و باز باید گفت
بسیاری از اوضاع و احوال این اقلیم مجهول است اما معلومات
آن اینست که بعضی از علمای جغرافی افریقیه را بهفت قسمت
منقسم نموده‌اند قسمت اول را ولایات حوالی رود نیل یا بلاد
نیلیه گویند و آن عبارتست از مصر و نوبه و حبش
و بعضی ولایات کوچک که با این سه مملکت همسایه میباشند قسمت
ثانی بلاد مغربست و عبارت از صحرای کبیر معروف افریقا
باشد و برقه و فزان و تونس و طرابلس
والجزایر و مراکش (مارک) و توابع آن و این
ایالات را بربرستان نیز گویند قسمت سیم افریقای

شرقی است شامل بر زنگبار و موزمبیق (موزمبیک)
و صومالی و غیرها قسمت چهارم افریقای وسطی است
شامل چندین قسمت و سودان حقیقی از آن قسمت است قسمت
پنجم افریقای غربی است که عبارت از سنگامبی
(سنگمبیا) و گینه (گوینه) باشد
قسمت ششم افریقای جنوبی است معروف ببلاد دراس
و بلاد الکفره (بلاد کافر) قسمت هفتم جزایر
تابعه افریقا میباشد

مقصود اصلی از این نگارش تعیین میزان منازعه متمهدی
و جغرافی سودان حقیقی است اولا میزان منازعه متمهدی

واقعگاه این کردوفان است که از ولایات حوالی رود نیل میباشد
و از یکطرف محدود به سنار که یکی از ولایات نوبه است
و از طرف دیگر به دارفور و در جنوب آن سلسله جبالیست
زنوجی ها در آن سکنی دارند و این ایالت یعنی کردوفان امتداد
میسیابد تا به نیل ابیض و یکی از شعبه اصلی رود نیل است حاکم نشین
و قاعده کردوفان شهر العبید است و مسکن متمهدی
اراضی کردوفان چندان حاصلخیز نیست مگر آنهائیکه در هر طرف
نیل ابیض واقع شده و بعضی از جزایر بری (اوازیس) آنکه
حاصل آنها مدنیست سکنه کردوفان سیاه پوست و مسلمان
میباشند تمدن آنها کم و زبانشان عربیست ابتدا کردوفان

در تحت تبعیت سنار بود بعد از آن فور که آن نیز از ولایات
حوالی رود نیل است آن را تملک نمود در سال هزار و هشتصد و بیست
علوی محمد علی پاشا کردفان را مسخر کرده از
مضافات مصر نمود

اما خرطوم شهری است از سنار در ملتقای نیل ازرق و
نیل سفید واقع و از بناهای محمد علی پاشای مصری است که
در پنجاه و نه سال قبل این شهر را ساخته و آباد کرده و اهالی را
خرطوم گویند تشبیه بخرطوم فیل یعنی رود ابیض و ازرق نیل
حاصل تمام نواحی و اطراف خود را اینجا خرطوم فیل جمع کرده به یک محل میرسانند
جمعیت شهر خرطوم بیست و سه هزار نفر است و ما آنچه در نوبه

میباشد از قصبات آن الان از مضافات مصر بجه است
اما دنقله در صحرای دنقله است و اسم یکی از ولایات
نوبه میباشد و شهر حاکم نشین آن نیز موسوم به دنقله است
و این ولایت در طرف یسار رود نیل واقع و دنقله قدیم کلیه
خراب و اینکه حالا آباد است دنقله جدید است
یاقوت حموی گوید دنقله بضم اوله و ثالثه و قیل بفتحها و سکون
ثانیه مدینة کبیرة فی بلاد النوبة و بها منزل
ملکهم علی شاطئ النیل لها اسوار عالیة مبنیة
بالحجارة و طول بلاد النوبة علی النیل یعنی دنقله
بضم دال و قاف و بعضی گفته اند بفتح دال و قاف و سکون نون

شهر بزرگیست در بلاد نوبه که پادشاه آن مملکت در این شهر
مسکن دارد و این شهر در ساحل نیل است و باروهای عالی دارد
و با سنگ ساخته اند و ولایت نوبه در امتداد رود نیل
واقع است خلاصه دنقله جدید را مراکه نیز گویند و
فرنگیها آنرا نوو دنگله می نامند

اما سواکن قاعده و پای تخت ولایت بجاه باید جست
که این ولایت نیز یکی از ولایات اربعه نوبه میباشد و در سواحل
بحر احمر واقع شده

اما مصوع که فرنگیها ماسوه گویند شهریست از حبشه
در جزیره که در بحر احمر واقع شده و این جزیره بندر بسیار خوبی

دارد و بنابر این مقدمات سینقال متمهد سودان
حقیقی نیست

اما سودان حقیقی یا تکرور که عبارت از افریقیه وسطی
وصل بصحرای کبیر معروف افریقاست که فرنگیها ساهارا
و گران دزرت میگویند بمعنی که صحرای کبیر در شمال آن واقع
شده و سنگامبی و گینه در مغرب آن و طرف جنوبی
نیز محدود به گینه و جبل القمر میباشد

سودان در منطقه محترقه در دو طرف خط استوا واقع شده و
وسعت خاک سودان حقیقی تقریبا بقدر وسعت صحرای کبیر است
یعنی سطح صحرای کبیر معادل چهار هزار و هشتصد کیلومتر طول است

در دو هزار کیلومتر عرض و سودان حقیقی هم همینقدرها وسعت دارد
و باید گفت ممالک وسیعهٔ صحرای کبیر و سودان از حدود
مغرب مصر و نوبه و حبشه بطور انحراف است که یافته
تا منتهی شود بدریای محیط اتلانتیک که تقریباً اسم او سودان
واسط او صحرا شبیه است بدو خط متوازی چنین که پست از اراضی
سودان بارتفاع اراضی صحرا نیست و برخلاف صحرا هیچ
رودخانه ندارد و گاهی که از نزول باران سیل جاری شود پس از
انقطاع سیل بلافاصله ریگها باعانت باد مجرای سیل را محو مینماید
سودان چنین رودخانه و یک شط عظیم دارد که اراضی آنرا مشروب
و حاصلخیز میسازد شط عظیم سودان موسوم به نیجر (نیژر) میباشد

و منبع و سرچشمهٔ آن در جبال واقعه در طرف جنوب صحرای
کبیر است در جائی که هزار و ششصد و سی و هشت قدم ارتفاع دارد این
شط گاهی بطرف مشرق و گاهی رو بمغرب و زمانی بجانب جنوب
جریان دارد و منقسم بچندین شعبه شده شعبهٔ بزرگتر از همه بدریای
محیط اتلانتیک میریزد شط نیجر را نیل سودان و سیاهان
گویند و مانند نیل مصر در بعضی جاها جریان دارد که هیچیک از
سیاحان از آنجاها خبر دار نیستند و در مصب خود در خلیج گینه
دلتائی تشکیل میدهد که نه تنها از دلتای نیل بزرگتر است بلکه دلتای
رودخانه گنگ (گانژ) هندوستان هم از آنجا کوچکتر است
تا سی سال قبل صحیح و درست رودخانهٔ نیجر بکلی مجهول و از وضع آن

بکلی بحر بعضی کمر قلل اما کنی از قبیل مونت پارک و کاکان
دو کاغانا و بامبارا و بوحری و بیرو و چند جای مختصر دیگر را نیز
دیده بودند لیکن بعدها اقدام سافرین خیلی از مجهولات این سال
قلمرا معلوم و منکشف ساخته است

تعیین جمعیت و تعداد نفوس سودان ممکن نیست اما سکنه سیاه آن
از جنس اتیوپی (اتیوپی اسم قدیم تمام ناحیه ایست که در
جنوب مصر امتداد دارد) و جماعت طوایف و قبایل بسیار
دارند که بعضی از آنها مسلمان و بعضی بت پرستند لیکن بت پرستها
کمتر از مسلمانها میباشند عموما نادان و دور از تربیت و در حالت
وحشیگری هوای سودان نیز در همه جا گرم و سوزنده است و با وجود

و با وجود آن در بعضی جاها زمستان خیلی سخت میشود باران در ماه ژوئن
شروع میکند و خیلی طول میکشد تب لازم در مملکت سودان
شیوع دارد سوای حوالی رودخانهها که اراضی خیلی حاصلخیز دارد
زمینهای صحاری تقریبا تمام مملکت را فرو گرفته است حاصل سودان
ذرت و برنج و تنباکو و پنبه و نیل و قهوه و خرما و سایر
میوهها و قسمی از سیب زمینی و غیره میباشد فیل و زرافه و شتر
و گاومیش و بعضی حرباء و از سباع شیر و کفتار و یوز و ببر
و شغال و غیره و طیور و شکار در سودان وجود دارد مارهای مهیب
و خزندههای عظیم الجثه و نهنگ در سودان یافت میشود
قسمت عمده از سودان را کسی سیاحت ننموده که از آن

خبرها که باشند آنجاها برای که تا چند سال قبل مسافرین دیده و سفرنامه
نوشته تقسیم بچند ولایت و ایالت کرده اند یکی از این قسمتها
نغریتیا است واقع در غربی نیگر فوبیر و شمالی نیگر قلا و
فیمابین این قسمت و نوبیا بلاد بیرغو میباشد قسمت دیگر
بیرنو نامیده میشود و در این نواحی این قسمت دارای شوکت و استقلال است
و والی آن ادعای سلطنت مینماید سکنه بیرنو مسلمانند عدّه
نفوس اهالی ده کرور و بعضی از آنها قبایل صحرا گرد میباشند و زبان
عربی تکلم میکنند اهالی بیرنو با مصر و مغرب و نوبیا
تجارت دارند و مال التجاره آنها طلا و عاج و اسب و برده
و پر شترمرغ و کره و نمک میباشد دریاچه شادی (تشادی

چادی) در این قسمت است و ماهی و مرغابی بسیار دارد و گویند
طول این دریاچه دویست میل و عرض آن صد و پنجاه میل است
شهرهای آن بیرنو کوکا و بیرنی و انگرنو میباشد
قسمت دیگر مملکت سودان است بلاد مندلره میباشد
واقع در جنوب بیرنو و حاکم نشین آن محلّی است موسوم به موره
در صد و هشتاد میلی کوکا
و از طرف جنوب نهر عظیمی بدریاچه شادی میریزد که آن را شاری
مینامند و شهر لغون که قصبه بلاد لغون میباشد در کنار
این نهر است و اهالی لغون یک نوع استقلال دارند و صاحب صلح و
سلامت میباشند بعضی پارچه‌ها نسج مینمایند و بلاد آنها

مگوت سوای آنکه وزغ و زنبور و پشه زیاد دارد و واذیت
مینماید بحیثیتی که گاهی اسباب هلاکت اطفال میشود و برای رفع
این فساد غالبا کاه تر میسوزانند و در دود آن می نشینند و بمعالجه
از مرض ضعف تر و بدن مانند که

ذکر حالات شهر کسنا*

در طرف مغرب بر نیف بدویهای سودان سکنی دارند و آنها
جماعتی وحشی و بت پرستند و در اماکن صعب و جبال سکنی
گرفته اند و قبایلی که با آنها همسایه اند بعضی اوقات آنها را غارت
میکنند و آنها نیز هر کس را در راهها بیابند میکشند در طرف
مغرب این جماعت بلاد فلاته* میباشد که اراضی آن سبز

و حاصلخیز و دارای حبوب و انواع میوه های استوائیه است اهالی
مسلمانند و نماز میکنند اما چون عربی نمی فهمند معنی نماز را
نمیدانند اعتنائی هم بگرفتن وضو ندارند فقط در روز یکمرتبه
وقت صبح وضو میسازند و بلاد زیادی در همسایگی این جماعت واقع
شده که همه مقهور این جماعتند و بایشان جزیه و خراج
میدهند

قسمت دیگر از سودان کانو میباشد اراضی این قسمت
در کمال خرمی و حاصلخیزیست و سکنه آن زیاد و قصبه و قاعده
آن قسمت را نیز کانو میگویند و سی و چهار هزار نفر جمعیت دارد
و اکثر آنها برده و غلام و کنیزند رنگ اقمشه این شهر در این نواحی

شهورست

قسمت دیگر بلاد کشنا میباشد و تجار از غدامس
(غدامس) و فزان بقصبه این قسمت آمده داد و
ستد کرده و نمک مینمایند
قسمت دیگر بلاد فلاته مشهور است و قصبه آن شهر سکاتو
میباشد که باروئی دارد بارتفاع سی قدم با دوازده دروازه و تجار
از غدامس و طرابلس غرب باینجا عطر گل سرخ
و بعضی عطریات دیگر و حریر بیاورند و بار برده و کره معاوضه
مینمایند بعضی برکه های آب در طرف شمالی این شهر است که
خوردن آب آن اسباب حدوث تب شود

اما شهر تنبکتو پای تخت قسمت زنگی از بلاد سودان است
و بسیاری از اهالی مغرب بجهة تجارت باین شهر آمده توقف
مینمایند هر یک از آنها متمتع شده به بلاد خود معاودت
میکنند زبان عربی در اینجا شایع است اما لغت اصلی اهالی این
شهر تنبکتو برخلاف معمول مثلث شکل و محیط آن سه
میل و جمیع خانه ها یک طبقه است و با خشتهائی که در آفتاب
خشک میکنند بیوتات را بنا مینمایند عدهٔ نفوس اهالی این شهر ده
هزار نفر و اراضی حوالی صلاحیت زراعت ندارد و لهذا ساکنه
مایلزم معاش و قوت خود را از بلاد بعیده بدینجا حمل
مینمایند در طرف جنوب غربی این شهر برکه های آب است

که آب باران در آنها جمع شده بمصرف شرب اهالی میرسد
در حوالی این شهر بعضی قبایل زرگینده سکنی دارند که آنها را
طوارق (توارِیك) مینامند بضاعت آنها
منحصر بمواشی است این طایفه یعنی طوارق قطاع الطریقند
لهذا از قوافل وارده باین نواحی وجهی میگیرند که آنها بسلامت
ازین اماکن عبور داده شوند بنابرین خیلی اسباب اذیت اهالی
تنبکتو میباشند

اما مملکت برغو در جنوب شرقی تنبکتو واقع و سی
منزل طول و امتداد خاک آنست و عرض آن یازده منزل
و منقسم بچهار قسمت میباشد قسمت اول بصکار است

و پای تخت آن نیز بصکار میگویند کلیه اهالی این قسمت پنجاه
هزار نفر میباشد قسمت دویم کیاما حاکم نشین آن نیز
بهمین اسم موسوم است اهالی این قسمت سی هزار نفرند قسمت
سیم واوا سیجی هزار نفر سکنه دارد قسمت چهارم نیکی
نام دارد کلیه اهالی این چهار قسمت بت پرست و نهایت بمستی
و سکر و صرف مسکرات مایلند

قسمت دیگر از سودان بوپیا میباشد در جنوب
برغو واقع و اهالی آن نوعی از سودان اخیر هستند که اصحاب
سلامتند مذهبا بت پرست و پادشاهی دارند مستقل و سلطنت
این مملکت بوراثت است پای تخت آن موسوم به کانتونگا

میباشد
قسمت دیگر از سودان مملکت بمبارة است که در جنوب
تنبکتو واقع و در حدود سنگامبیا است طول آن صد و
پنجاه فرسخ و عرض آن صد فرسخ نهر نیجر در این مملکت جاریست
که از بعضی آبادیهای آن میگذرد اکثر اهالی سودانی هستند
و غیر اکثر مغربیها در این مملکت آمده توطن نموده اند پای تخت این
مملکت سیکو میباشد و ده هزار نفر سکنه دارد شهر
جنی تابع این مملکت بود و حالا تبعیت مملکت فلاته را
دارد این است جغرافی سودان که با نهایت دقت
نوشته شده مبسوط تر از این فقط سیاحت نامه های سیاحان

متأخرین است

